

تاریخچه و چرایی آزادی مطبوعات

سیاست «گلاست نوست» در اولین مرحله از اثرات خود، تجربه‌های جدیدی را در عرصه آزادی مطبوعات برای مطبوعات شوروی به ارمغان آورده است. قانون آزادی مطبوعات مصوبه ۱۹۹۰ که در راستای حفظ حقوق صنفی و اجتماعی روزنامه‌نگاران است، قدم جدیدی است برای تقویت این سیاست، اجازه تأسیس رسانه، ممنوعیت سانسور، حق تهیه مطلب از اعصابها و سایر پدیده‌های رخ داده در جامعه، و نیز رفع مسئولیت از خبرنگارانی که اسرار دولتی را فاش می‌کنند، از جمله نکته‌هایی است که در این قانون آمده‌اند.

زورنال‌سیستم شوروی از سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴ ه. ش) که گورباچف به قدرت رسید، حال و هوای تازه‌ای را تجربه می‌کند. سیاست فضای باز سیاسی موسوم به «گلاست نوست» در مرحله اول، اثرات جبری خود را بر رسانه‌های همگانی شوروی گذارده است. پوشش خبری اعصابها که روزگاری طولانی تابوی رسانه‌های شوروی بود، اینک به یک امر حرفه‌ای مرسوم تبدیل شده و حتی زندگی مقامهای رسمی که همیشه در پس پرده ضخیم آهنین پنهان بود، اینک به اتاقهای شیشه‌ای رسانه‌ها منتقل شده است. سال ۱۹۹۰ به طرز ویژه به سال آزادانه نفس کشیدن برای رسانه‌های شوروی تبدیل شده است، رسانه‌هایی که زیر چادر اکیژن حزب کمونیست در آستانه احتضار بودند. پارلمان شوروی در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹ ه. ش) قانون آزادی مطبوعات را تصویب کرد و در آن بر نکته‌هایی انگشت گذاشت که برای روزنامه‌نگاران، ایده‌آل به شمار می‌رود. اما با این همه، هنوز نمی‌توان به اجرای این قانون و پایداری این آزادیها کاملاً اطمینان داشت «گلاست نوست» و «پرس‌ترویکا» در حقیقت ابزارهای گذار از یک جامعه وایده‌ثولوژی به بن‌بست رسیده هستند. اما این جامعه به کجا خواهد رفت؟ آیا شرایط بعدی می‌تواند این فضای گذار را در خود حل کند و بان مانند یک امر بدیهی وجدانشدنی برخورد کند؟ حتی در فضای «گلاست نوست» نیز برخی محدودیتها در روند آزادی مطبوعات بروز کرده است. گورباچف رهبر شوروی در اکتبر ۸۹ (۱۳۶۸ ه. ش) در اولین فراخوان سردبیران رسانه‌ها، از آنان خواست که درباره مشکلات

دگرگونی در رادیو تلویزیون شوروی

مطلب زیر، متن فرمان گورباچف رهبر شوروی، در ارتباط با ضرورت دگرگونی در مشی سخن‌پراکنی رادیویی و تلویزیونی شوروی می‌باشد.

جامعه، نقش فزاینده جمهوریها و نمایندگان مردم شوروی و بروز واقعی کثرت‌گرایی سیاسی همه نیازمند تغییر بنیادین ویژگیهای سخن‌پراکنی رادیویی و تلویزیونی است. از نظر من ضرورت دارد که:

۱- در شرایط جدید، سنگ بنای حقوقی فعالیت نظام سخن‌پراکنی تلویزیونی و رادیویی گذاشته شود.

برای رسیدن به این هدف، به شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی توصیه می‌کنم تا قانونی برای منظم کردن عملکرد کشوری سخن‌پراکنی تلویزیونی و رادیویی را وضع کند و علاوه بر این، موقعیت و حوزه اقتدار «کمیته دولتی اتحاد جماهیر شوروی برای سخن‌پراکنی تلویزیونی و رادیویی» را تعیین و رابطه آن را با نهادهای

رادیو و تلویزیون گسترده‌ترین ابزارهای اطلاع‌رسانی، تبلیغ و آموزش به شمار می‌آیند. محتوا و جهت‌گیری سخن‌پراکنیها، از عوامل مؤثر در شکل دادن به افکار و رفتارهای عمومی می‌باشند. امروز که آنگاه اجرای دگرگونیهای بنیادی و عمیق را داریم، این نکته از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا اطمینان حاصل کنیم که رادیو و تلویزیون در خدمت این مقوله‌ها قرار گیرند: استحکام جامعه، ثبات و نظم عمومی، دفاع از منافع کشور، انسانی کردن روابط مردم، قانون و نظم و ایجاد هماهنگی درون قومی.

این هدفها مستلزم حفظ و توسعه تلویزیون و رادیو به عنوان یک ساختار مشترک ملی است. در عین حال، روند ایجاد دموکراسی در

شوروی نبالغه نکنند. او حتی «ویسکتور آفاناسیف» سردبیر «پراودا» (از گان حزب کمونیست) را نیز به دلیل «محافظة کار بودن» برکنار کرد و «ایوان فرولف» مشاور نزدیک خود را جایگزین وی کرد. بالاخره در یک کلام باید گفت که این آزادیهای تازه با مخاطرات تازه‌ای نیز همراه بوده است. قانون آزادی مطبوعات شوروی در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹ ه. ش) در برگیرنده نکته‌های قابل توجهی می‌باشد، اما بدیهی است که باید میان قانونهای نوشته شده و قانونهای جاری و نوشته نشده تفاوت قائل شد. هنوز روشن نیست که نظام شوروی در برخورد با روزنامه‌نگاران و ناشران به قانون تازه آزادی مطبوعات توجه خواهد کرد، یا از قانونهای نوشته نشده که همیشه هم نظمامها و هم روزنامه‌نگاران بخوبی با آنها آشنا هستند، پیروی خواهد کرد.

«ولادیمیر الکساندروویچ اسکوسیریف» عضو شورای سردبیری و تحریریه روزنامه «ایزوستیا»، مسئول امور آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین این روزنامه، طی یک سخنرانی با عنوان «پرس‌ترویکا و مطبوعات» که در فروردین ماه ۶۹ در «دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ایران» صورت گرفت (قبل از تصویب قانون جدید مطبوعات شوروی)، ضمن برشمردن اشتباهها و اشکالهای کار روزنامه‌نگاری در دوران پیش از پرس‌ترویکا و اشاره به عدم اجازه برای چاپ مقاله‌های انتقادی در زمینه اوضاع عمومی کشور، مسائل ارتش و ملیت‌ها، خاطر نشان کرد که: «یک قانون جدید در زمینه مطبوعات در شوروی در حال تصویب است که بر اساس آن هرگاه کسی خبری غیر واقعی را پخش کند، از

قدرت در سطوح مرکزی، جمهوریها و داخلی و همچنین رابطه آن را با سازمانهای سیاسی و مردمی مشخص کند.

۲- شرایط در جهت گسترش حقوق و قدرت کمیته‌های سخن‌پراکنی تلویزیونی و رادیویی در سطوح منطقه‌ای، قلمروها و جمهوریها تغییر کند و واحدهایی در ساختار آنان پیش‌بینی شود تا نیازهای اطلاعاتی نهادهای داخلی قدرتمند را تأمین کند. شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی باید با شورای وزیران جمهوریها و شوراهای شهرهای «مسکو» و «لنینگراد» رویه‌های اختصاصی زمان پخش، کانالها و فرکانسها را برای این اهداف و همچنین برای حل مسائل شخصی هماهنگ کند.

همچنین این یک حقیقت است که همه نمایندگان مردم شوروی از هر سطحی، سازمانهای خصوصی و احزاب، حقوق تأسیس مراکز یا استودیوهای تلویزیونی را با منابع مالی و فنی خود دارند. آنها همچنین می‌توانند زمسان پخش و امکانات فنی سخن‌پراکنی را از «کمیته دولتی اتحاد جماهیر

جانب قانون مورد بازخواست و محاکمه قرار خواهد گرفت. مابا این قانون موافقم، ولی معلوم نیست این قانون چه زمان و چگونه تصویب بشود. امیدواریم که باتصویب این قانون جدید، روزنامه نگاران شوروی بتوانند امکان کار راحت تر و آزادتر را به دست آورند.»

عضو سردبیری «ایزوستیا» در واقع آرزو می کند که این قانون در عمل جایگزین قانونهای قبلی و قانونهای نوشته نشده شود و فقط در حد یک بخشنامه باقی نماند.

عبارات فوق، در واقع پرونده سانسور دولتی حزب کمونیست شوروی را می بندد و راه آزادی مطبوعات را می گشاید. «از نظر تکنیکی، آزادی مطبوعات در قانون اساسی شوروی تضمین شده بود، اما اقدام پارلمان شوروی در حقیقت اولین اقدام تفصیلی برای تضمین آزادی رسانهها بود.» (۲)

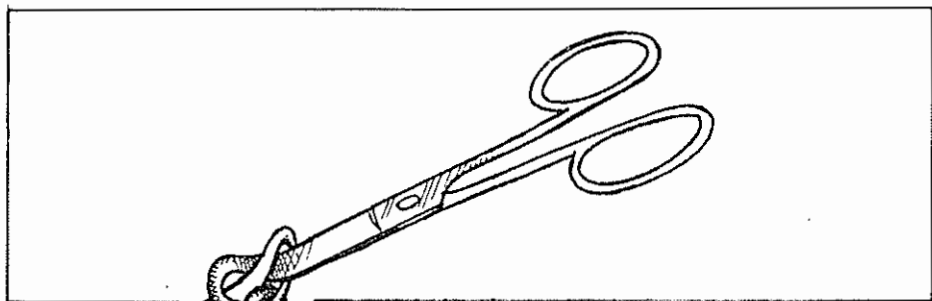
حق حضور در گردهماییها و در صحنه های مربوط به فاجعهها، حق عدم تهیه مطالبهایی که با اعتقادهای یک روزنامه نگار مغایرت دارد،

است. اما در همین ماده آمده است که مجازات انتشار این اسرار متوجه روزنامه نگار نیست و مقامی که این اسرار را انتشار داده است، مجازات خواهد شد:

«مسئولیت انتشار اطلاعات سری به عهده کسانی است که باعث افشای اسرار مذکور می شوند. نرسانه گروهی» (۳)

مورد فوق اگرچه از نظر صنفی برای روزنامه نگاران مطلوب است، اما برای مخاطبان رسانهها مطلوب نیست، زیرا منابع رسمی دیگر جسات ارائه اخبار به رسانهها را نخواهند داشت. در قانون جدید، استفاده از رسانهها در راستای مداخله در امور شخصی افراد به شکلی که به منزلت اجتماعی آنان خدشه وارد شود، منع شده است. در قانون جدید آزادی مطبوعات شوروی مجازاتهای مربوط به سوء استفاده از رسانهها مشخص نشده، اما اعلام شده است که در این گونه موارد دادگاهها باتوجه به قانونهای حال و آینده اقدام خواهند کرد.

علیرغم آنچه گذشت، هنوز یک اهرم قوی در دست دولت شوروی برای مانور بر مطبوعات وجود دارد و آن سهمیه بندی کاغذ برای روزنامههاست. دولت شوروی هنوز می تواند با ایجاد محدودیت در فراهم آوردن کاغذ برای روزنامهها و مجلههایی که با آنان موافق نیست، انعکاس آزادی بسیار آنان بر مخاطبانشان را محدود کند.



■ قانون تازه آزادی مطبوعات

قانون تازه آزادی مطبوعات شوروی که اولین قانون پارلمان شوروی در این زمینه است، ۱۲ ژوئن ۱۹۹۰ (۲۲ خرداد ۱۳۶۹) به تصویب پارلمان شوروی رسید. این قانون جدید که به همه شهروندان شوروی - که به سن ۱۸ سال رسیده باشند - اجازه تاسیس رسانهها را داده است، با چنین صراحتی آغاز می شود: «مطبوعات و سایر رسانه های جمعی آزاد هستند و سانسور کردن رسانه های جمعی ممنوع است.» (۱)

حق انجام مصاحبه با مقامها و همچنین شیوه های تاسیس رسانه و شرایط لازم برای تاسیس آن، از جمله مواردی هستند که به تفصیل در قانون آزادی مطبوعات شوروی به آنها پرداخته شده است. علاوه بر موارد فوق، در قانون جدید آزادی مطبوعات انتشار اسرار دولتی ممنوع اعلام شده

پانوشتها
 1- SOVIET UNION GETS FIRST FREEDOM LAW - MOSCOW AP NEWS AGENCY- 13. 6. 1990
 2- SOVIET- PRESS- TASS NEWS AGENCY - 13. 6. 1990
 3- NOVESTI NEWS AGENCY- NO 72 JUNE 14. 1990

خود در قبال مسائل ساختاری پرسنل و حقوق آنان تصمیم گیری کند. به کمیته این حق داده می شود تا بخشی از منافع حاصله از تبلیغات تجاری خود را به این منظور صرف کند.

۵- شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی به همراه وزیران جمهوریهای شوروی تا اول اکتبر ۱۹۹۰ برنامه جامع حمایت مادی، فنی و مالی «کمیته دولتی اتحاد جماهیر شوروی برای سخنپراکنی تلویزیونی و رادیویی» را با توجه به نیاز احداث یک مرکز فنی در مسکو برای «کمیته سخنپراکنی تلویزیونی و رادیویی فدراسیون روسیه» مورد بررسی قرار دهند.

لازم است پیشنهادات در چهارچوب برنامه دولتی تبدیل صنایع دفاعی مشتمل بر کاربرد «سیستمهای فضایی گلیکون وانژری» و «سیستمهای مخابراتی ارتباطی ماهواره ای متحرک»، که به منظور ایجاد سرویسهای سخنپراکنی چند کاناله تلویزیونی و رادیویی صورت می گیرد، بررسی شود.

رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی میخائیل گورباچف - ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۰

۳- کارکرد سخنپراکنی دولتی تلویزیونی و رادیویی باید مستقل از سازمانهای سیاسی و عمومی باشد. این کارکرد باید در خدمت پوشش عینی و جامع همه رویدادهای کشور قرار گیرد. انحصاری کردن زمان پخش از سوی یک حزب خاص، جنبش سیاسی یا گروه، و تبدیل تلویزیون و رادیوی دولتی به یک ابزار تبلیغ در خدمت دیدگاههای سیاسی یک جمع خاص، غیر قابل پذیرش است.

۴- «کمیته دولتی اتحاد جماهیر شوروی برای سخنپراکنی تلویزیونی و رادیویی» موظف است به منظور آسان کردن شکوفایی قابلیت های خلاق اعضای خود و همچنین به منظور تحکیم اصول دمکراتیک، در کار خویش سازماندهی مجددی را صورت دهد. کمیته موظف است خود را به یک سیستم قرار دادی مبتنی بر رضایت دو طرف تبدیل سازد تا انگیزه های مادی اعضا افزایش و موقعیتهای واحدهای منفرد کمیته برای تامین مالی خود گسترش یابد.

این حق به «کمیته دولتی اتحاد جماهیر شوروی برای سخنپراکنی تلویزیونی و رادیویی» داده شود تا بر حسب موقعیت مالی

شوروی برای سخنپراکنی تلویزیونی و رادیویی و یا از «وزارت ارتباطات دور برد اتحاد جماهیر شوروی» اجاره کنند. در تطابق با رویه بین المللی، تاسیس و کاربرد چنین مراکز و استودیوهایی باید با جواز مناسب، رسمیت یابد. «کمیته دولتی اتحاد جماهیر شوروی برای سخنپراکنی تلویزیونی و رادیویی» و «وزارت دادگستری اتحاد جماهیر شوروی» موظف هستند تا اول سپتامبر ۱۹۹۰ (۱۰ شهریور ۱۳۶۹) قوانین موقت رویه های صدور جواز را با این پیش بینی که در آینده چنین اقداماتی در یک قانون ویژه اتحاد جماهیر شوروی تصریح خواهند شد، اتخاذ کنند.

با توجه به اهمیت حفظ نظام مشترک سخنپراکنی ملی تلویزیونی و رادیویی هر اقدام مقامهای منطقه ای، قلمروها و جمهوریها که بدون هماهنگی با «شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی» و با هدف تغییر موقعیت حقوقی و مالکیت بخشهای موجود «کمیته دولتی اتحاد جماهیر شوروی برای سخنپراکنی تلویزیونی و رادیویی» - تصویب شده باشد، بی اعتبار خواهد بود.